

معرفی مدیرعامل جدید مؤسسه هنرمندان پیشکسوت

● گروه هنر: سیدمحمد طباطبایی به‌عنوان مدیرعامل جدید مؤسسه هنرمندان پیشکسوت معرفی شد. پس از اعلام پایان مأموریت سید عباس عظیمی در مؤسسه هنرمندان پیشکسوت از روز گذشته، سیدمحمد طباطبایی به‌عنوان مدیرعامل جدید این مؤسسه معرفی شد.

تعویق جشنواره فیلم عربستان

● گروه هنر: اولین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «دریای سرخ» عربستان که قرار بود در ماه مارس برگزار بشود، به سبب شیوع ویروس کرونا به زمان دیگری موکول شد. به گزارش هالیوودریپورتر، به سبب شیوع ویروس کرونا، مسئولان اولین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم «دریای سرخ» که قرار بود از ۱۲ تا ۲۱ مارس (۲۲ اسفند تا دوم فروردین) در شهر جده عربستان برگزار شود را به تعویق انداختند و قرار است تاریخ جدید برگزاری جشنواره فیلم «دریای سرخ» به‌زودی اعلام شود. امسال «الیور استون»، کارگردان هالیوودی، به‌عنوان رئیس هیئت داوران اولین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم «دریای سرخ» انتخاب شده بود و هدف از برگزاری جشنواره «دریای سرخ» نیز تأکید بر سینمای دنیای عرب و همچنین آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و منطقه کارائیب اعلام شده است.

حمایت انجمن سینمای جوانان ایران از تولید با موضوع کرونا

● گروه هنر: انجمن سینمای جوانان ایران از آثار خلاق، کوتاه و مؤثری که در راستای پیشگیری، آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی در مبارزه با کرونا، به‌عنوان یکی از موضوعات مهم فعلی کشور، ساخته شده باشند، حمایت خواهد کرد. بر این اساس، همه آثاری که در قالب‌های مختلف انیمیشن، رنال یا ترکیبی که در مدت‌زمان حداکثر سه دقیقه ساخته شده باشند و به‌صورت خلاقانه قادر باشند در یکی از موضوعات: پیشگیری، آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی، به افشار مختلف مردم کمک کنند و مناسب پخش در فضای مجازی باشند، مشمول این حمایت خواهند بود. علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را حداکثر تا پایان اسفندماه و از طریق واتس‌اپ به شماره ۰۹۳۹۹۴۴۳۹۰۲ به روابط عمومی انجمن سینمای جوانان ایران ارسال کنند.

تغییر زمان جشنواره جهانی فیلم فجر تحت تأثیر «کرونا»

فرانک آر تا



ندارد که با به‌تعویق‌افتادن آن، برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر تحت شعاع قرار بگیرد»، گفت: «خب طبیعی است که زمانی که ما اعلام کردیم قطعی نیست؛ هر اتفاقی هم ممکن است بیفتد. چون اساسا این موضوع دست ما نیست؛ اما اگر هم چنین شود، قطعا برای

فرانک آر تا

تقابل ۲ سبک آل پاچینو و رابرت دنیرو در «مرد ایرلندی»

پیام بهاری: مارتین اسکورسیزی در آخرین ساخته خود «مرد ایرلندی»، بار دیگر ثابت کرد درک درستی از انتخاب بازیگران برای نقش‌های فیلمش دارد. او نقش جیمی هופا را به آل پاچینو و فرانک شیران را به رابرت دنیرو سپرد (البته منظور از انتخاب درست، بر اساس سبک بازیگری است که در سطرهای پایین به آن اشاره می‌کنیم، هرچند دنیرو درخشش همیشگی خودش را نداشت؛) بازیگران معاصری که برای اجرای نقش‌هایشان سبکی را انتخاب می‌کنند و در اکثر فیلم‌ها به آن پایبند هستند، هرچند حکم لازمی برای انتخاب یک سبک همیشگی وجود ندارد و نقش‌ها تعیین می‌کنند شما در چه راهی قدم بردارید، ولی هر بازیگری الگوریتم فکرشده‌ای برای ارائه نقش دارد و معمولا نقش‌هایی را انتخاب می‌کند که به جنس بازی‌اش نزدیک باشد. این دو بازیگر پیش از این فیلم، در پدرخوانده (فرانسیس کاپولا)، مخصوصه (مایکل مان) و قتل عادلانه (جان آونت) با هم همکاری کرده بودند؛ فیلم‌هایی که در آن تقابل این دو سبک، روبه‌روی هم نمود بیشتری دارد. پیش از آنکه به بازی این دو بازیگر در فیلم «مرد ایرلندی» نگاهی بیندازیم، سبکی را که هرکدام از این بازیگران

برای معرفی کاراکتر به تماشاگر انتقال می‌دهد. نوع راه‌رفتن، فیزیک بدنی (بسته به نقش جاق یا لاغر می‌شوند)، نوع نشست‌ویرخاست، استفاده از ممیک صورت، انتخاب لباس، لهجه و گرم مواردی از این دست هستند که در ایفای نقش کاربرد دارند. بعد از ارتباط اولیه تماشاگر با نقش، حال وقت آن است که به آرامی با درونیات کاراکتر خلق‌شده آشنا شویم. به کارنامه رابرت دنیرو نگاهی می‌اندازیم. نقش جیک لاموتا در فیلم گاو خشمگین (مارتین اسکورسیزی) به او سپرده شد. او برای باورپذیری در کالبد یک مشت‌زن، آمادگی بدن یک ورزشکار را پیدا کرد و برای دوران گذر قهرمانی به ناکامی، نزدیک به ۳۰ کیلوگرم افزایش وزن پیدا کرد. در فیلم راننده‌تاکسی (مارتین اسکورسیزی) کاراکتر تراویس بیکل در روند داستان به انحطاط و انحراف کشیده می‌شود. رابرت دنیرو برای گذران این خط سیر تحولی، لباس‌هایی که می‌پوشد، اصلاح موی سرش و حتی عینک دودی، تمهیداتی بود که او در نظر گرفت. البته همان‌طور که در سطرهای آغازین اشاره شد، هرازچندگاهی بر اساس صحنه‌ای خاص و اوج و فرود کاراکتر در داستان، بازیگر شرایط جدیدی را اتخاذ می‌کند که رابرت دنیرو در این فیلم بازی بیرون‌گرایانه‌ای هم از خودش ارائه می‌دهد. در فیلم تنگه وحشت (مارتین اسکورسیزی) برای اجرای نقش مجرمی به نام ماکس هزینه هفتگی پرداخت کرد تا دندان‌پزشک، دندان‌های او را دفرمه کند و ضمن اینکه خالکوبی هم به بدن کاراکترش افزوده است. نقش جوانی دون ویتو کورلونه در فیلم پدرخوانده (فرانسیس کاپولا) را بازی کرد. او در گرم، سبیل به آن افزود و نگاه‌های سرد را جاشی نقش کرد. در فیلم نیویورک، نیویورک (مارتین اسکورسیزی) در نقش یک آهنگ‌ساز، پیراهن مخصوصی با رنگ‌های شاد و طرح‌های مختلف بر تن کرد. او بعد از مرحله آشناسازی کاراکتر با تماشاگر، به سراغ درونیات او می‌رود.

رابرت دنیرو مانند یک معمار چیره‌دست، نمای ظاهری ساختمان را طراحی می‌کند و زمانی که داخل ساختمان می‌روید، به زیبایی چیدمان فضا‌های آن بیشتر پی می‌برید. آل پاچینو از سبکی دیگر پیروی می‌کند. او از درون به بیرون کاراکتر را طراحی می‌کند. هر انسانی با توجه به شرایط زندگی، نوع تأثیرپذیری از خانواده و جامعه، رفتارهایی از سر بروز می‌دهد که این امر منحصر به فرد است. عواطف (احساسات، خشم، ناراحتی و شادی) شکل و قالب شخصی دارد. آل پاچینو نقش‌هایی را انتخاب می‌کند که بیشتر کنش نشان می‌دهند و در برابر رویدادها منفعل نیستند. او عواطف درونی کاراکتر را به ویرین بیرونی خود تبدیل کرده و تماشاگر با خلق وخوی شخصیت‌ها آشنا می‌شود و اطلاعات شخصیت‌های قصه با بروز احساسات به تماشاگر معرفی می‌شود. البته این دلیل بر این نمی‌شود که گرم با لباس مدنظر او یا کارگردان نباشد؛ ولی درونیات یک کاراکتر و نوع بروز این رفتارها اولویت دارد. کافی است این فیلم‌ها را به یاد بیاورید. سریکو (سیدنی لومت)، صورت‌زخمی (برایان دن‌بالما)، بوی خوش زن (مارتن برست)، وکیل‌مدافع شیطان (تیلور هاکفورد)، بی‌خوابی (کریستوفر نولان)، بعدازظهر سگی (سیدنی لومت)، عدالت برای همه (نورمن جویسون) و… بازی‌های بیرونی و کنش‌برانگیز را در ذهن‌ها تداعی می‌کنند. البته همان‌طوری که گفته شد، نقش‌ها باعث می‌شوند

باشکوه برگزار شدن آن، دبیر جشنواره و سازمان سینمایی تصمیم‌های مقتضی را اتخاذ خواهند کرد». او همچنین در برابر این پرسش «که در هر صورت روند دادن ویزا به میهمانان خارجی زمان‌بر است و در این صورت مشکلی برای هنرمندان مدعو به وجود نمی‌آید»، به «شرق» گفت: «خوشبختانه نماینده وزارت امور خارجه در شورای سیاست‌گذاری جشنواره هستند و با توجه به شرایط همکاری‌های لازم را انجام خواهند داد. باین‌حال مدیران جشنواره امیدوار هستند به‌زودی روند نزولی شیوع و در نهایت ازبین‌رفتن این ویروس در جهان آغاز شود». کثیریان در پایان تأکید کرد: «اطلاعات مربوط به جشنواره متعاقبا از کانال‌های رسمی این رویداد اطلاع‌رسانی خواهد شد».

گفتنی است پیش از این قرار بود سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر ۲۸ فروردین تا پنجم اردیبهشت ۹۹ برگزار شود. این دوره از جشنواره به دبیری محمدمهدی عسگرپور در سالن جارسوی تهران برگزار خواهد شد. پیش از این رضا میرکریمی، مدیریت جشنواره را بر عهده داشت.

فرانک آر تا

تقابل ۲ سبک آل پاچینو و رابرت دنیرو در «مرد ایرلندی»



بازیگران روش‌های دیگر هم تجربه کنند. آل پاچینو در فیلم پدرخوانده نقش مایکل کورلونه را درونی بازی کرد. اسکورسیزی از آن دست کارگردان‌هایی است که بازیگران نقش تأثیرگذاری در فیلم او دارند. دلیل آن هم، شخصیت‌های پیچیده همراه با اوج و فرود در روایت قصه است. او به‌درستی نقش جیمی هופا، رهبر اتحادیه کارگران آمریکا را به آل پاچینو می‌سپرد. جیمی هופا کاراکتری است که کنش‌های بیرونی فراوانی دارد. از هیجان‌های انتخابات گرفته تا دعواهای صنفی، آن‌هم از جنس مافیای جاه‌طلبی‌اش؛ جاشنی تندمزاجی و جوش‌آوردن آنی هم به این کاراکتر اضافه کنید. حتی زمانی که جیمی هופا دیالوگ ندارد، او را آرام نمی‌بینیم. در سکانسی که کندی (برادر رئیس‌جمهور وقت) ریاست دادگاه را برعهده دارد و جیمی هופا باید به اظهارات او گوش کند، با انگشتانش روی میز ضرب می‌زند تا به تماشاگر نشان دهد او هیچ وقت آرام نمی‌گیرد. آل پاچینو از پس اوج و فرود شخصیت به زیبایی برآمده است؛ البته با فرمول خودش. رابرت دنیرو در این فیلم نقش فرانک شیران را بازی می‌کند. راننده کامیونی که تقدیر به او روی آورده است و از یک زندگی ساده به پول و جایگاه مناسبی در خانواده مافیای می‌رسد. شیران اهل کنش نیست. او به اتفاق‌های اطرافش واکنش نشان می‌دهد. شیران کم‌حرف و آرام است. او یک تابع است؛ حتی رفیق صمیمی خود جیمی هופا (آل پاچینو) را با دستور رئیس‌هایش به کام مرگ می‌کشاند. رابرت دنیرو در ابتدای امر ظاهر بیرونی کاراکتر را می‌سازد. زمانی که راننده کامیون حمل گوشت بود، کاپشن چرم بر تن دارد و کلاه لبه‌داری به سر می‌گذارد. هیکل بزرگ و چاقی دارد تا از پس ماشین‌های غول‌پیکر برآید. کمی از فیلم می‌گذرد، برای قتل‌عام مشتری‌ها کلاه بافتنی به سر می‌گذارد. او مدام با تغییر شغل، کسب عناوین جدید و گذر زمان، نوع پوشش خود را تغییر می‌دهد. از نظر رفتار کاراکتر، هر چقدر که از داستان می‌گذرد، او درونی‌تر هم می‌شود. حتی در رستوران که راسل بوفالینو (جو پشی) به او خبر می‌دهد باید جیمی هופا را بکشد، عواطف کاراکتر شیران توسط رابرت دنیرو به وضوح دیده نمی‌شود. دقیقاً مقابل او آل پاچینو هست؛ با فرورفتن در نقش هופا همه را به جنگ فرامی‌خواند. فریاد می‌زند، احساسی می‌شود و به‌راحتی ابراز علاقه می‌کند. بازی درست نقش منوط به چند نکته است؛ فیلم‌نامه‌نویس شخصیت‌های پیچیده را باید به‌درستی هدایت کند. برای مثال برای خاص‌کردن جیمی هופا، بستی‌خوردن را که کار مورد علاقه او است، به او اضافه می‌کند. در مرحله بعد انتخاب بازیگر براساس نوع بازی و کارنامه او است. اسکورسیزی در چپنش بازیگرانش به جنس بازی بازیگران براساس کارنامه دقت می‌کند. مرحله بعد خود بازیگر است که با شناخت کامل و عمیق از کاراکتر، نقش خود را ارائه دهد. فرمول بیرون به درون، درون به بیرون، متد اکتینگ یا هر سبک و سیاقی دیگر، بازیگری یعنی ارائه باورپذیر نقش. خورخه لونیس بورخس در یکی از داستان‌هایش می‌گوید: «کسی که روی صحنه می‌ایستد و نقش کس دیگری را بازی می‌کند، برای تماشاگرانی است که وانمود می‌کنند پذیرفته‌اند که او آن کس دیگر است». سبک و روش‌های بسیاری برای اجرای نقش وجود دارد؛ مهم اجرای درست نقش است.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با استادمنوچهر اسپهبدی مشهد استعدادهای زیادی دارد



● گروه هنر: در قلب شهر مشهد استادمنوچهر اسپهبدی با شور یک جوان ۲۴ساله و بشکارتی مثال‌زدنی عصر پربار خود را وقف آموزش به هنرجویان و ساختن فردایی بهتر کرده‌است. به بهانه سال‌ها فعالیت با منوچهر اسپهبدی گفت‌وگو کردیم.
■ چرا همیشه می‌گویید ۲۴ساله هستید؟
برای اینکه هر روز بیش از ۲۴ساله‌ها می‌دوم و فعالیت می‌کنم.

■ به نظر شما کمبودها ناشی از چیست؟
وضعیت اقتصادی مردم خوب نیست و عده‌ای که قادر به انجام کاری هستند کاهلی می‌کنند و دنبال امور سهل‌الحصول می‌روند. افرادی هم که تلاش و تخصصی دارند با بوروکراسی اداری متوقف شده و جامعه از خدمت آنها محروم می‌شود. هنر در شهر مشهد بسیار مظلوم واقع شده و اغلب یک‌بعدی است. بعضی از سازمان‌ها از جمله شهرداری فرهنگ‌سراهایی را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است اما متخصص کمتر و فعالیتی نه‌چندان مطلوب دارند. پیش از اینکه عضو شورای فرهنگی شهرداری شوم، عضو شورای حجم و مسئول انجمن هنرهای تجسمی خراسان بودم که با همکاری خوب سازمان میادین و مشاغل شهرداری و خصوصاً یاری صمیمانه آقای مهندس فرزادفر، مدیرعامل وقت سازمان، در کوهسنگی فعالیت‌هایثمربخش مطلوب و رایگانی برای خردسالان و بزرگسالان به نام پایگاه آدینه ترتیب دادم که در روزهای تعطیل و جمعه‌ها علاقه‌مندان به‌صورت چشمگیری استقبال می‌کردند و خانواده‌ها از کوچک و بزرگ حضور می‌یافتند و از آموزش و خدمات داوطلبانه و رایگان پایگاه در بخش‌های طراحی و نقاشی و حج‌سازی بهره می‌بردند. همچنین در ساختمان کوهسنگی بازار هنر را ایجاد کردیم و در اختیار تعدادی از هنرمندان شاخص و اساتید قرار داده شد. نمایشگاه‌های بازارزشی از آثار آنها در همان ساختمان به نمایش گذاشته می‌شد. اما همچنان مشکلات وجود دارد.

■ برای برون‌رفت از این مشکلات چه باید کرد؟
برای به‌ثمرنشتن هنر، بوروکراسی متداول و روزافزون اداری که سدی در راه فعالان حوزه‌های مختلف است کاهش یابد. سازمان‌های مسئول هم باید به جای کارشکنی کارگشایی کنند در غیر این صورت می‌بینیم که استعدادهای هنری هم مانند دیگر استعدادهای مورد نیاز این مملکت به دیار بیگانه‌گان مهاجرت می‌کنند یا به ناهنجاری‌های اجتماعی می‌پیوندند.

■ این روزها به چه فعالیت‌های دیگری می‌پردازید؟

درحال‌حاضر مشغول ساختن فرهنگ‌سرا و موزه‌ای آموزشی هستم که تجربیات بیش از نیم‌قرن گذشته خود را در آن متمرکز خواهم کرد و تمام اموال منقول و غیرمنقول رسماً وقف توسعه آن است. امیدوارم اگر فرصت اجازه دهد و قبل از آنکه زنگ آخر به صدا درآید، آخرین درس این معلم پیر انجام شود؛ شاید که در این ایام آخرین از همکاری مسئولان محترم بی‌نصیب نمانم.

■ ایده اولیه ساخت موزه آموزشی چطور به ذهن‌تان خطور کرد؟

این ایده در ابتدا به صورت راه‌اندازی دانشگاه هنر برای مشهد بود. پس از گذاشتن جلسات حضوری با معاونت فرهنگی آستان قدس و زمانی که کاملاً به توافق رسیدیم، از من خواستند موقوفه‌ای دیگر را بپشتوانه این موقوفه قرار دهم تا بتواند هزینه‌های این دانشگاه را تأمین کند؛ اما من یک معلم هستم، نه تاجر و می‌خواهم پس‌انداز معلمی‌ام را که از مردم گرفته‌ام، به خود مردم برگردانم. در قرارداد هم قید کرده بودم با توجه به اینکه تمام اموال منقول و غیرمنقول خود را وقف این پروژه می‌کنم، باید در مجموعه‌ای که می‌سازم، سوبیتی برابم تعبیه شود که تا آخر عمر مجبور نباشم بدون مسکن بمانم و زیرزمینی را برای زندگی اجاره کنم؛ ولی این جلسات پس از ماه‌ها تلاش و گفت‌وگو بی‌نتیجه ماند.

■ این موزه آموزشی چه ویژگی‌هایی دارد؟
این موزه با تمام موزه‌هایی که تا به امروز دیده‌اید، متفاوت است. موزه مدنظر شکل تکامل‌یافته‌ای از همین محیط آموزشی است که دارم. مؤسسه موجود، مادری است که فرزندی پربارتر و با تجربه ۵۰ساله را به دنیا می‌آورد. هنرجو در آنجا نیازی به استاد و هنرآموز ندارد و می‌تواند آنجا عضو شود و با حضورش در آنجا و با استفاده از منابع تعبیه‌شده در محیط به نسبتی که توان و استعداد دارد، یاد بگیرد؛ یک هنرجو ممکن است بخواهد به اندازه یک سال بیاموزد و دیگری به اندازه چند سال.

■ هدف شما از این‌همه تلاش هنری چیست؟
هدف من ترویج هنر و کشف هنرمندان و خدمت به آنهاست و به رایگان در اختیار دیگران قراردادن چیزهایی که خود از آنها محروم بوده‌ام.